

جنبش‌های اسلامی؛ نقاط هم‌گرایی و واگرایی با انقلاب اسلامی

بازشناسی نهضت‌های انقلابی و گروه‌های افراطی

دکتر بهزاد قاسمی^۱

چکیده

نهضت‌های انقلابی - اسلامی به مثابه همه نهضت‌های آزادی‌بخش و انقلابی، هم معطوف به رفع مشکلات داخلی جامعه و کشور بوده‌اند و هم مسائل و مشکلات خارجی آن؛ با علم به این موضوع که نهضت‌ها در پی اسلامی کردن فضای سیاسی هستند و آزادی‌بخشی از دست استعمار و استکبار در جهت استقلال و تأسیس نظام سیاسی بخشی از مأموریت آنهاست. در تاریخ معاصر، هر یک از دو مذهب شیعه و سنی نگرش‌های خاص خود را در راهنمایی نهضت‌های اسلامی ارائه کرده‌اند. با عنایت به این مسئله پژوهش در موضوع نهضت‌ها و مطالعات نهضتی با عنوان «جنبش‌های انقلابی؛ نقاط هم‌گرایی و واگرایی با انقلاب اسلامی» اهمیت پیدا می‌کند. هدف مقاله پیش‌رو ضمن تبیین نقاط هم‌گرایی و واگرایی نهضت‌های انقلابی با انقلاب اسلامی به دنبال مشخص کردن نقاط تمایز نهضت انقلابی با حرکت‌های افراطی نیز است. در همین

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)





راستا با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی نخست به بسترهای هم‌گرایی و واهم‌گرایی اشاره شده و فعالیت گروه‌های افراط‌گرایی سنی‌ها در حد سلفیه و تمایز آن با سنی‌های میانه‌روتر همچون اخوان المسلمین مصر که ایده‌های متعادل‌تری دارند با سایر نهضت‌ها مشخص خواهد شد؛ در نهایت راهکارهایی در راستای تقویت این نقاط مشترک توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: جنبش و نهضت، انقلاب اسلامی، هم‌گرایی و واگرایی، افراط‌گرایی.

مقدمه

هر چند نهضت‌های آزادی‌بخش در بافت‌ها و شرایط فرهنگی - اجتماعی و سیاسی متفاوت ظهور، رشد و نقش‌آفرینی کرده‌اند، اما در طول چند دهه گذشته ظهور و بازیگری نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی موضوعی بسیار برجسته‌تر و ملموس در عرصه سیاست جهانی بوده است. این نهضت‌ها در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب و نظام‌های سیاسی متأثر از غرب به تدریج شکل گرفتند و نقاط عطف و مراحل مختلفی را سپری کردند. انقلاب اسلامی پدیده‌ای مهم و تأثیرگذار در ظهور، رشد و افزایش اعتماد به نفس نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی بود و با موفقیت نهضت اسلامی در ایران بسیاری از نهضت‌ها در جهان عرب مجال ظهور و تکامل یافتند. انقلاب اسلامی به مثابه جریانی انقلابی و موفق در زمینه و زمانه جنبش‌های اسلامی معاصر است. در سال‌های نیمه دوم قرن بیستم، جنبش‌های اسلامی با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت متفاوت و با فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون در کلیه جوامع اسلامی حضور داشتند.

آنچه جنبش اسلامی در ایران نامیده می‌شود، بخشی از یک جنبش کلی در جهان اسلام است که از آن به نهضت‌های اسلامی یاد می‌کنند. البته جنبش اسلامی در ایران از ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود برخوردار است. از جمله خصیصه نهضت اسلامی ایران الهام‌گیری از مکتب تشیع و رهبری جنبش به دست یک مرجع تقلید شیعی یعنی رهبری امام خمینی از جمله ویژگی‌های خاص جنبش انقلابی اسلامی در ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ است. اما آنچه به عنوان شاخص فهم انقلاب اسلامی و تفاوت آن با جنبش‌های دیگر جهان اسلام مطرح می‌شود برآمدن مفهوم اسلام سیاسی از درون انقلاب اسلامی است.

در باره خاستگاه اصطلاح اسلام سیاسی گفتنی است قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، چنین اصطلاحی وجود نداشته است. به عبارت دیگر، ایفای نقش اجتماعی -



سیاسی اسلام در جریان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، موجب مطرح شدن این اصطلاح در ادبیات تحلیلی-سیاسی و رسانه‌ای غرب گردید. به طور خلاصه، قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تقسیم اسلام به دو نوع اسلام سیاسی و اسلام غیر سیاسی که ریشه در تجربه یا روند سکولاریسم در غرب داشته نوعی تقسیم‌بندی معتبر به شمار می‌رفت؛ اما وقوع انقلاب اسلامی ایران، در واقع روایت اجتماعی-سیاسی از اسلام را به عنوان روایت غالب و ناب معرفی و ترسیم می‌کرد و با طرح ثنویت یا دو‌گونگی^۱ میان اسلام امریکایی یا اسلام ناب محمدی، اعتبار این تقسیم‌بندی را با نقد روایت‌های غیر سیاسی از اسلام (سکولاریسم)، زیر سؤال برد.

غرب به خصوص امریکایی‌ها در تحلیل انقلاب اسلامی ایران در اوایل، به جای اصطلاح اسلام سیاسی، از واژگان دیگری مانند بنیادگرایی اسلامی،^۲ رادیکالیسم اسلامی،^۳ استفاده می‌کرده است؛ اما بعدها و به تدریج واژه اسلام سیاسی توانست به طور تقریبی جایگزین این واژگان و واژگان دیگری مانند احیای اسلامی،^۴ رنسانس اسلامی، بیدارگری اسلامی، جنبش‌های اسلامی،^۵ نهضت‌های اسلامی^۶ و غیره شود. از نگاه بنیانگذار نهضت شیعی:

اساس این نهضت انقلاب اسلامی از دو جا سرچشمه گرفت؛ یکی از شدت فشار خارجی و داخلی... و یکی دیگر، آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل که یک رژیم در مقابل رژیم‌های طاغوتی باشد و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم.^۷

بنابراین مفهوم و اصطلاح اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. اگر چه در نظر برخی از پژوهشگران به خاطر نقصی که در ارایه یک تعریف کامل از اسلام سیاسی وجود دارد، بیشتر نویسندگان ترجیح می‌دهند واژه‌های اسلام‌گرایی و اسلام‌گرا را به

1. dichotomy
2. Islamic Fundamentalism
3. Islamic Radicalism
4. Islamic Revival
5. Islamic Movements
6. Islamic Uprisings

کار ببرند.^۱ به عنوان مثال اولاف اتویک در تقسیم‌بندی جریان‌های اسلامی و نهضت اسلامی سه ویژگی برای نهضت‌های اسلامی بیان می‌کند؛ اول، همه نهضت‌های اسلامی حرکت خود را حرکت اسلامی می‌دانند؛ دوم، همه نهضت‌ها خواهان ایجاد دولت اسلامی (نظام سیاسی) هستند که قابل انطباق با شرایع دینی باشد؛ سوم، این نهضت‌ها ساختار جنبشی خود را به گونه‌ای ایجاد کرده و متحول می‌کنند که به اکثر اهداف یا همه آن دست یابند.^۲ با مطالعه شاخصه‌های نهضت‌های اسلامی و بعد از پشت سر گذاشتن دوران طلایی اسلام سیاسی در دهه ۷۰ و یا ۸۰ میلادی که اوج آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که موجب تأسیس نظام سیاسی و تحول و استمرار اسلام سیاسی شده است؛ در واقع، می‌توان اسلام سیاسی را گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است.

اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام‌عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در بر می‌گیرد.^۳ برخی معتقدند در گفتمان اسلام سیاسی، دین فقط یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه زندگی بشر را در بر می‌گیرد.^۴ مثلاً برخی از گزاره‌های اسلام سیاسی مانند «اعتقاد به جداناپذیری دین از سیاست»، «اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام»، «اعتقاد به استعمار غرب عامل عقب‌ماندگی مسلمانان»، «نارضایتی از سیاست‌های استبدادی حاکم» و... می‌باشد.^۵

هدف نهایی اسلام سیاسی، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد. اندیشمندان دلایل مختلفی برای ظهور اسلام سیاسی از جمله شکست نخبگان غیر مذهبی سکولار، فقدان مشارکت سیاسی، بحران خرده بورژوازی، دلارهای نفتی و توسعه نابرابر و اثرات زوال

1. Karame, Kari (1996), Social and Economic Resons for the Recruiting to political Islam, Internasjonal politick, No.54. p201.

2. Roy, oliver (1994), The Faihure of political Islam, London: I. B. Taurisp 200.

۳. سعید بابی، *هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۰.

۴. غلامرضا بهروز لک، *جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۹.

۵. الیویه روا، *تجربه اسلام سیاسی*، تهران، صدا، ۱۳۷۸، ص ۲۳.

فرهنگی بر شمرده‌اند. اسلام سیاسی در ایران ابتدا در دهه ۱۳۲۰ و بعد از سقوط رضاشاه مطرح شد و سپس در دهه ۱۳۴۰ بسط و تکامل یافت. دهه چهل و پنجاه، فصل جدیدی از ظهور اندیشه‌های سیاسی در ایران می‌باشد به طوری که بخش‌هایی از قشر روشنفکری ایران به ایدئولوژی سیاسی اسلام روی آوردند در حالی که پیش از آن روشنفکران ایران عمدتاً دارای گرایش‌های لیبرالی و غیر دینی و ضد سنتی بودند.

نهضت امام خمینی (ره) از این جهت اهمیت دارد که وی نه تنها با رژیم پهلوی به طور خاص بلکه با نظم رایج در جهان اسلام به طور عام نیز به مخالفت برخاست. به واسطه ایشان است که اسلام‌گرایی از یک مخالفت ساده و طرح سیاسی به کنار افتاده و به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل می‌شود

اسلام سیاسی فقه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) است و بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به عنوان مفسران اصلی شریعت تأکید می‌کند. در اسلام سیاسی فقه‌ای، علم فقه به دلیل نقشی که در شناخت قانون‌های دینی دارد، همچنین فقه‌ها به عنوان کارشناسان معتبر دینی از جایگاهی بلند برخوردارند. روحانیون در این گفتمان تنها مفسران معتبر شریعت به شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت، اسلامی بی‌محتوا و انحرافی تلقی می‌گردد.^۱ نهضت امام خمینی (ره) از این جهت اهمیت دارد که وی نه تنها با رژیم پهلوی به طور خاص بلکه با نظم رایج در جهان اسلام به طور عام نیز به مخالفت برخاست. به واسطه ایشان است که اسلام‌گرایی از یک مخالفت ساده و طرح سیاسی به کنار افتاده و به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل می‌شود.^۲ انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یک دولت مدرن بر پایه اسلام شکل گرفت. این انقلاب ریشه در جریان‌های اسلام سیاسی در ایران دارد. از آنجا که این جریان اسلام سیاسی علت عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زاییده استعمار جدید غرب می‌دانند انقلاب اسلامی نگرش‌های ضد غربی یافت. از یک سو اسلام سیاسی لیبرال دولتی مدرن و دموکراتیک مبتنی بر محوریت اسلام را ترسیم می‌کرد. در این میان انقلاب اسلامی ایران بیش از همه از جریان اسلام سیاسی فقه‌ای تغذیه شد. این جریان به رهبری امام خمینی (ره) که بر اساس تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست قرار داشت به مخالفت با رژیم پهلوی پرداخت و خواهان تشکیل دولتی مدرن بر پایه اسلام، ضد استعمار و ضد استبداد شد.

۱. محمدعلی حسینی‌زاده، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵.

۲. سعید بابی، *همان*، ص ۲۸.





اسلام سیاسی فقاهتی امام خمینی (ره) با محوریت روحانیت به بسیج مردم دست زد و بر اساس نظریه ولایت فقیه موفق به تشکیل نظام سیاسی شد؛ بدین ترتیب نقش عمده‌ای در شکل‌گیری و تثبیت و تداوم نظام جمهوری اسلامی داشت.

امروزه نیز مجموعه تحولات بنیادین و دومینووار سال‌های اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، ماهیت بسیاری از معادلات استراتژیک را در این منطقه دگرگون کرده است. تحولات مذکور را ذیل مفاهیم مختلفی چون «انقلاب‌های عربی»، «بهار عربی» و «بیداری اسلامی» نام‌گذاری کرده‌اند. این نام‌ها فراتر از الفاظ بوده و هر کدام از آنها بار معنایی و پیامدهای سیاسی-امنیتی خاصی دارد. پذیرش هر یک از مفاهیم مذکور، به معنی قائل بودن به ریشه‌ها، ماهیت و پیامدهای خاصی برای این تحولات است. با توجه به «هویت» مناطق دست‌خوش تحول از سال ۲۰۱۱، عنوان صف‌بندی گفتمان مقاومت در مقابل گفتمان غیر به واقعیت نزدیک‌تر است. برای مهار، مدیریت و انحراف جنبش بیداری اسلامی، اقدامات متعددی از سوی نیروهایی که جنبش مذکور، منافع آنها را به خطر انداخته است، انجام شد که یکی از آنها، بازتولید جریان‌های سلفی تکفیری است. گروه‌های تروریستی مانند «جبهه النصره» و «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) از جمله مصادیق شاخص آن است. بایستی تفاوت اساسی نهضت‌های انقلابی که در صدد بنیادگذاری نظام سیاسی جدید و مبارزه با استبداد داخلی و استکبار خارجی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، بازشناسی شود. گروه‌های تکفیری به بهانه ایجاد خلافت بر اساس بازگشت به صدر اسلام و در عمل به جمود و قشری‌نگری دوره خوارج بازگشته‌اند و با منافع و مطامع استکبار و قدرت‌های بزرگ همراهی و همگامی می‌کنند.

تعریف و مفهوم جنبش و نهضت

جنبش به مفهوم حرکت در جهت جابجایی بخشی یا کلیتی از یک ساختار است. این حرکت می‌تواند با توجه به هدفمندی مشترک خود، در مقابل یا در راستای ساختار موجود قرار گیرد. در کتاب فرهنگ علوم سیاسی، جنبش این‌گونه تعریف شده است: «جنبش، حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام، برای رسیدن به هدف اجتماعی-سیاسی معین و بر اساس نقشه معین است که می‌تواند انقلابی یا اصلاحی باشد.»^۱ به عبارت دیگر، جنبش متفاوت از رفتارهای طبیعی، بوروکراسی و شورش‌ها در جامعه ایجاد می‌شود و باید دارای شرایط خاصی باشد تا بتوان نام جنبش را بر آن

۱. علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶۹.



نهاد.^۱ جنبش‌های اجتماعی اسلامی از چهار ویژگی^۲ اساسی جنبش‌های اجتماعی برخوردارند، با این تفاوت که صبغه اسلامی دارند. همچنین هر جنبش اجتماعی اسلامی همانند دیگر جنبش‌ها، قابلیت تبدیل شدن به یک نظام سیاسی کارآمد را دارد. به گفته کارشناسان «برای موفقیت در فرآیند نظام‌سازی و تثبیت یک نظام سیاسی قدرتمند باید گفت: یک جنبش باید این فرآیند را در زمان معین خود طی کند، به بلوغ برسد و با یک حالت تحریکی به نظام سیاسی تبدیل نشود، چون یک‌باره فرو می‌ریزد.»^۳ در جنبش‌های اجتماعی اسلامی، وجود گفتمان مبتنی بر مبانی نظام اسلامی از اهمیت برخوردار است. جنبش اجتماعی رازمانی می‌تواند اسلامی نامید که گفتمان اسلامیت در آن عمومیت یافته و این گفتمان موجد حرکت شده باشد.

در نظریه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی می‌توان به نظریه تجدید حیات اسلامی خورشید احمد اشاره کرد که دیدگاه متفاوتی به این‌گونه جنبش‌ها دارد. وی معتقد است، جنبش‌های اسلامی در ابتدا با خواسته‌های حداقلی از جمله رعایت اخلاق اسلامی در اقتصاد و اجتماع ظهور می‌کنند. از نظر او، این جنبش‌ها، پدیده قرن نوزدهم و مولود سیاست‌های استعماری است.^۴ در تعریف دیگری از جنبش‌های اسلامی معاصر گفته شده است این نوع از جنبش‌ها، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به یک یا چند عامل از میان عوامل متعددی مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولارسازی شتاب‌زده جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان، شکست الگوهای رقیب مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، بنیادگرایی یهودی و انحطاط درونی (بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب) و نیز با تکیه بر اسلام به عنوان خاستگاه فکری و الگوی نجات‌بخش پدید آمده‌اند.^۵

جیل کیبل موفقیت یا شکست جنبش‌های اسلامی را در گرو میزان قدرت بسیج‌گری

۱. بهزاد قاسمی، «مدیریت انگیزش‌ها و پایا کردن آنها»، کارگروه مطالعات اندیشه سیاسی و بیداری اسلامی، ش ۱، ۱۲/۵/۱۳۹۴، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۵.
 ۲. اولین ویژگی، بروز یک ناراضیتی جدید و فراگیر؛ دومین ویژگی، برخورداری آن جنبش از یک گفتمان غالب و مسلط است. سوم باید از سازماندهی، انسجام و رهبری برخوردار باشد. در نهایت باید از فضای سیاسی مناسب برای بروز و ظهور برخوردار باشد؛ در صورتی که نظام حاکم اجازه فعالیت به یک جنبش اجتماعی را ندهد یا آن را به شدت سرکوب کند، نمی‌تواند اعتراض خود را علنی کند.
 ۳. بهزاد قاسمی، همان، ص ۱۸.

4. Walid S. Hegazy, Contemporary Islamic Finance: From Socioeconomic Idealism to Pure Legalism, Chicago Journal of International Law, volume 7, 2 November 2002, p582.

۵. مجید مرادی، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۴، ص ۳۱.



آنها می‌داند و معتقد است:

این بسیج‌گری در صورتی می‌تواند موفق باشد که سه گروه متفاوت را در برگیرد: جوانان فقیر شهری، نخبگان روشنفکر مخالف و بورژوازی مؤمن. هر کدام از این گروه‌ها با دو گروه دیگر، تداخل و تعامل دارد. اگرچه هر کدام مرجعیت اجتماعی و برنامه‌سیاسی و خاستگاه‌های سیاسی ویژه خود را دارند، ولی کارآمدی هر کدام در صورت هماهنگی با دو گروه دیگر است. پیروزی بسیج اجتماعی در گروه وحدت این سه گروه و تحت پوشش گرفتن گروه‌های محروم اجتماعی و واداشتن نخبگان حاکم به کناره‌گیری و از بین بردن مشروعیت قدرت حاکم و سپس به دست‌گیری زمام قدرت است.^۱

تعریف و مفهوم جنبش در این مقاله دارای اهمیت است؛ زیرا به بررسی بسترهای هم‌گرایی و واگرایی نهضت‌های انقلابی، به عنوان مدعیان نظم‌های مدرن و داعیه‌دار گفتمان جدید با انقلاب اسلامی، می‌پردازد. نهضت‌های انقلابی به بازیگرانی مهم در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. نهضت به معنای خیزش آگاهانه و مبتنی بر اراده و تصمیم انسان‌ها برای رهایی از وضع نامطلوب موجود (قدرت و معیارهای ظالمانه حاکم بر جامعه) و حرکت در جهت هدف مطلوب (تغییر و اصلاح بنیادین وضع جامعه) است. نهضت‌های اسلامی مبتنی بر بینش توحیدی اسلام ناب و با انگیزه قیام‌علیه معیارها و حکومت‌های ضد اسلامی در راستای انجام وظیفه دینی و انسانی مردم مسلمان و به منظور تحقق عدالت برپا می‌شوند. آنها جنبش‌های اجتماعی بسیار قوی و برخاسته از درون‌مایه‌های هویتی قوی می‌باشند که دست‌کم بخش مهمی از خواسته‌های سیاسی جامعه را نمایندگی و از نظم‌های مقابل و معارض‌شان مطالبه می‌کنند. نباید نهضت‌ها را با گروه‌ها یا سازمان‌های سیاسی، دینی و اقتصادی منفرد اشتباه گرفت. نهضت‌ها معمولاً وصل‌اراده بخش مهمی از گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در جهت تغییری مهم و اساسی هستند. این تغییرات می‌تواند شامل استقلال یا انقلاب و اصلاح نظام سیاسی حاکم باشد. در این رده، یک نهضت با پیشتازی ائتلافی از گروه‌های معارض نظم موجود آغاز می‌شود و سپس حالت فراگیر می‌یابد و از حمایت بخش مهمی از مردم برخوردار می‌شود. به این ترتیب، نمایندگی بخش مهمی از اراده جامعه برای تغییر، وجود ائتلاف مهمی از

۱. جیل کبیل، «من اجل تحلیل اجتماعی للحرکات الاسلامیه»، ترجمه حسن اوربد، مقدمات، مغرب، ۲۰۱۲، ش ۱۶، ص ۱۷-۱۶.

گروه‌های سیاسی و دینی هم‌سو و در نهایت تلاش برای براندازی نظم موجود، پیش از استقرار نظم مطلوب و مدنظر، ویژگی مهم و عمومی یک نهضت به شمار می‌رود. این نهضت‌ها چه دموکراتیک یا غیر آن، خواسته‌هایی را از پایین دنبال می‌کنند و به این ترتیب، برآمده از دل جامعه و ناگزیر، نشان‌دهنده جامعه‌اند. از سوی دیگر، رقیبان آنها اعم از دولت‌ها یا سایر بازیگران، معمولاً معرف چنان نمایندگی نیستند. به عبارت دیگر، این نهضت‌ها در اعتراض به نارسایی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برمی‌خیزند که به دولت برمی‌گردد.

تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تشکیل هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت، رهنمودهای سازنده و عمیق رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نیز تأکید فراوان بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی می‌تواند زمینه هم‌گرایی کشورهای اسلامی را فراهم آورد

نهضت اسلامی و مفهوم مطالعات نهضتی در این مقاله مقصود ژئوپلیتیک مقاومت است. از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تدریجی مقاومت این بود که نیروهای حاکم در جوامع شرقی توانایی دفاع از کشور را در برابر قدرت‌های امپریالیستی نداشتند یا در اساس با آنان همدست شده بودند. در چنین وضعی که کشور بی‌دفاع می‌نمود، این هسته‌های مقاومت در مجموعه‌های پیچیده‌تری سازمان یافتند و به جریان مقاومت ملی و اسلامی در این جوامع شکل دادند. به طور طبیعی، پیشرفت‌هایی از این دست، در کشورهایی شتاب چشم‌گیر داشت که زمینه‌های داخلی مورد بحث، از پیش فراهم بود و نیروهای مستقل این کشورها به توسعه می‌اندیشیدند و می‌پرداختند. این اندیشه مقاومت و نهضت در بسیاری از نهضت‌های اسلامی و حتی در جنبش‌های غیر اسلامی مسیحیت، یهودیت و ادیان غیر ابراهیمی نیز وجود داشته؛ ولی ماهیت نهضت متفاوت از نهضت و مقاومت تشیع بود که این نهضت در سایر نهضت‌های اسلامی نیز تأثیرگذار بوده است که با بسیاری هم‌گرا و با برخی از گروه‌ها که داعیه اسلامی دارند و یا از عنوان اسلامی به عنوان ابزاری در راستای منافع خود بهره‌برداری می‌کنند اشاره خواهد شد.

در تشیع به عنوان مذهبی که به «اعتراض» معروف است، مبارزه با ظلم همیشه انگیزه‌ای قوی بوده که به الگوگیری از قیام‌های مهم شیعیان مانند واقعه کربلا برمی‌گردد. در یکی، دو سده اخیر، ایران همواره شاهد مبارزه و قیام‌هایی به خصوص با همکاری مذهبیون بوده است. انقلاب اسلامی نمونه بی‌بدیل تبدیل یک نهضت اسلامی شیعی به دولت و حکومت است. مبارزه با ظلم چه به معنای استبداد داخلی و چه به





معنای استکبار جهانی، در دستور کار انقلاب اسلامی قرار دارد. امام خمینی، بنیان گذار انقلاب اسلامی، مأموریت انقلاب اسلامی را چنین تشریح می کند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر [امور] مردم بنماید؛ ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقا چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند سختی ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است، برسند...^۱

چنان تعریفی از سیاست انقلابی نهضتی که به تأسیس جمهوری اسلامی ایران منتهی شد، جایی برای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که مذهب شیعه انگیزه های قوی برای مبارزات نهضتی و حرکت های اسلامی و سیاسی مهم دارد. هم تجربه تلخ شیعه در تأسیس حکومت و هم مشکلات و مصیبت هایی که جهان اسلام در این مدت به آن مبتلا بوده، علمای شیعه را در دوران اخیر به این سمت سوق داده که تعریف ها و تفسیرهای تازه ای از سیاست در دوران کنونی به دست دهند تا بتوان حرکت های سیاسی و معطوف کسب قدرت را در چهارچوب نگرش های دینی انجام داد. این عمل گرایی دینی در تشیع، تا حد زیادی معطوف «اجتهاد» و سایر مبانی فقهی پویای تشیع است که بر حسب «مقتضیات زمانه»، برنامه سیاسی اسلام را مطرح می کند تا راهنمای عمل شیعیان باشد.

در مجموع، هم نگرش علمای شیعی و هم حضور جدی شان در جریان مبارزات ظلم ستیزانه، منبع الهام بخش خوبی برای تشیع فراهم آورده است. نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری کشورهای اسلامی، نقش استعمارستیز حاج ملا علی کنی در شکست قرارداد ذلت بار روپتر، نقش میرزای شیرازی در شکست قرارداد انحصار توتون و تنباکو، نقش الهام بخش آخوند خراسانی و میرزای نائینی در قیام مشروطه، نقش شیخ فضل الله نوری در ارایه و شفاف کردن یک نظریه حکومت اسلامی در دوران

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

اخیر (ولایت فقیه)، نقش آیت‌الله کاشانی و پدر ایشان در کمک به قیام شیعیان جنوب عراق در مبارزه علیه انگلیسی‌ها در سال ۱۹۲۰ و سپس نهضت ملی شدن صنعت نفت و در نهایت، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، نمونه‌های بسیار خوبی از نقش علمای شیعی در چنین جنبش‌هایی است که عصاره این نهضت‌ها در انقلاب اسلامی تجلی کرده و امروزه الهام‌بخش بسیاری از نهضت‌های اسلامی شده است.

بسترهای هم‌گرایی نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی

از مهم‌ترین ویژگی تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی و نهضت‌ها، اسلامی و سیاسی کردن آنها و جهانی کردن این جنبش‌ها بوده است. برای نمونه اسلامی کردن مسئله فلسطین، یکی از منظورهای این خصوص است. هدایت مسئله فلسطین از تقابل اعراب - اسرائیل به مسئله تقابل اسلام - صهیونیسم یا حمایت معنوی و مادی از جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت اسلامی در فلسطین، از تأثیرات اساسی انقلاب اسلامی بوده است. تأثیراتی که سطح این جنبش‌ها را ارتقا بخشید و از یک جنبش قومی، محلی، منطقه‌ای به یک جنبش فراگیر جهانی تبدیل کرد. امروزه دیگر داستان فلسطین یک منازعه محلی نیست یک مسئله بین‌المللی و جهانی است. یا مسئله تجاوزات اسرائیل به لبنان دیگر یک مسئله منطقه‌ای نیست. بخشی از تحولات مربوط به مفهوم بالنده اسلام سیاسی است که از درون رشحات انقلاب اسلامی تراوش کرده و امروز در جهان اسلام معیاری برای تبیین اسلام امریکایی با اسلام ناب محمدی است.

در اینجا به برخی از زمینه‌های هم‌گرایی بین جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران که مهم‌ترین آنها ایده واحد، آرمان مشترک، رقیب مشترک، وحدت‌گرایی، مردم‌مداری و مسائل فرهنگی هستند به صورت ایجاز پرداخته می‌شود.

۱. **ایده واحد:** انقلاب اسلامی ایران، گرچه یک انقلاب شیعی است، ولی همانند هر مسلمان و هر جنبش اسلامی دیگر، به وحدانیت (لااله الاالله) اعتقاد دارد، به رسالت پیامبر اکرم (ص) معتقد است؛ کعبه را قبله آمل و آرزوهای معنوی خود می‌داند؛ قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند، و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن، به صلح، برادری و برابری ایمان دارد.

۲. **رقیب یا دشمن یکسان:** انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترک‌اند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی امریکا و رژیم صهیونیستی است، همانند کفار قریش، مغولان و وحشی، صلیبیون مسیحی،





انقلاب اسلامی نمونه بی‌بدیل تبدیل یک نهضت اسلامی شیعی به دولت و حکومت است. مبارزه با ظلم چه به معنای استبداد داخلی و چه به معنای استکبار جهانی، در دستور کار انقلاب اسلامی قرار دارد

استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست کیان اسلام را تهدید می‌کند، در حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی» علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است. با توجه به خیزش‌های مردمی منطقه و مبارزه با ساختار سیاسی مستبد و فاسد (استبداد و استکبارستیزی) که هیچ امیدی به اصلاح و تغییر آن نبوده است، استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به خصوص امریکا

و رژیم صهیونیستی به چشم می‌خورد. مردم معترض این کشورها به دنبال استقلال سیاسی کشور خود هستند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت داشته باشند. از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی شده تعالی خواهی و هویت‌طلبی است. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ کرامت و منزلت انسانی می‌شود.^۱

۳. آرمان مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و در نهایت حکومت جهانی اسلام بوده است. البته برخی از جنبش‌های سیاسی اسلامی، تنها خواستار عمل به احکام اسلام در کشورهای خود حتی در شرایط عدم تشکیل حکومت اسلامی در کشور خود هستند؛ برخی نیز در پی تشکیل یک حکومت مستقل، بدون تأکید بر شکل و محتوای اسلامی حکومت هستند.

۴. وحدت‌گرایی: تکیه انقلاب اسلامی و رهبری آن بر لزوم وحدت همه قشرها و مذاهب اسلامی در نیل به پیروزی در صحنه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر به سوی انقلاب اسلامی است. چون انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیر اروپایی قائل نیست، بر جنبه‌های اختلاف‌برانگیز در بین مسلمین پای نمی‌فشارد و بلکه با ایجاد دارالتقريب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی، برگزاری هفته وحدت و... در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیر شیعی و حتی جنبش‌های

۱. بهزاد قاسمی، «گزارش اجلاس جهانی استادان مسلمان دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی»، «مطالعات راهبردی جهان/اسلام»، س ۱۳، ش ۵۱، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵.

آزادی‌بخش غیر اسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خود قرار داده‌اند. بنابراین جای شگفتی نیست که مسلمانان سنی فلسطینی به نام و یاد امام خمینی (ره) به عملیات شهادت‌طلبانه دست بزنند و البته می‌زنند.

۵. **مردم‌مداری:** مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عاملی در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. انقلاب ۵۷ و رهبری آن، بر این باور بودند که باید به ملت‌ها بها داد نه به دولت‌ها. به عنوان نمونه، حج و اهمیت و ارزشی که ایران اسلامی به آن می‌دهد، یکی از مقولاتی است که نشان‌دهنده مردم‌گرایی انقلاب اسلامی ایران است.

استراتژی مبارزاتی انقلاب اسلامی در ایران در درجه اول و به طور ذاتی نه بر اساس خشونت و اسلحه، بلکه بر اساس مردمی^۱ کردن انقلاب و پرهیز از خشونت نظامی بوده است. این استراتژی مورد تأکید انقلابیون روحانی و مذهبی به رهبری امام خمینی (ره) و منشأ اختلاف آنها با گروه‌های چپ و سازمان مجاهدین خلق و توسل آنها به خشونت و ترور بود که در نهایت زمینه‌ساز انشعاب این سازمان و شکل‌گیری گروهک منافقین از انقلاب اسلامی و ترور شخصیت‌های انقلابی همانند شهید مرتضی مطهری، دکتر بهشتی، باهنر، رجایی و برخی دیگر از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۶. **تأثیر‌گذاری فرهنگی:** امور فرهنگی از آن حیث مهم هستند که پایه و اساس زمینه‌ساز امور سیاسی هستند و به همین دلیل امور فرهنگی، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند و در مقوله سیاسی، شایستگی مطرح شدن را می‌یابند. بر این اساس، از مصادیق تأثیر‌گذاری فرهنگی انقلاب اسلامی را بر جنبش‌های اسلامی معاصر در منطقه تقویت فرهنگ جهاد و شهادت در میان جنبش‌ها؛ تقویت رویکرد مردمی کردن مبارزه و جهاد در میان ملت‌ها از سوی جنبش‌های سیاسی اسلامی؛ طرح شعارهای بدیع و جریان‌ساز مانند: لاشرقیه و لاغربیه؛ لاله‌الاله؛ الله‌اکبر؛ توجه ویژه به اماکن مذهبی همانند مسجد و نمازهای جمعه و جماعت به عنوان منشأ و منبع الهام‌بخش و حرکت‌بخش به جنبش‌ها هستند.

بسترهای واهم‌گرایی نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی

در مطالعه آسیب‌شناسی جنبش‌های اسلامی معاصر و تأثیر عوامل و دلایل در

1. popularization





واهم‌گرایی نهضت‌ها و انقلاب اسلامی علاوه بر عواملی که توانسته است فرصت‌های بسیاری را برای هم‌گرایی کشورهای اسلامی ایجاد کند، هر چند با محدودیت و موانعی هم‌رو به‌روست که در اینجا به عنوان آسیب‌شناسی و عوامل واگرایی جنبش‌های اسلامی معاصر به آن پرداخته می‌شود.

۱. محدودیت ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و هم‌گرایی جهان اسلام: دستیابی به وحدت و هم‌گرایی کشورهای اسلامی منوط به تحقق زمینه‌های ساختاری و فرآیندی در میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. آنچه می‌توان درباره بازتاب انقلاب اسلامی ایران در میان ملت‌های اسلامی بیان کرد، سطح بالای استقبال و همراهی با انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن است. در این سطح، همچنان که در بخش پیشین به آن پرداخته شد، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بسیاری در میان ملت‌های اسلامی برای تحقق بخشیدن به هم‌گرایی ملت‌های اسلامی وجود دارد، ولی بخش دیگر هم‌گرایی و وحدت در میان کشورهای اسلامی مربوط به دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی است که به طور غالب بازتاب انقلاب اسلامی بر آنها با محدودیت و مانع‌رو به‌رو بوده و در برخی موارد سبب ایجاد هراس و ترس آنها از انقلاب اسلامی ایران شده است. آنچه مسلم است، تحقق هم‌گرایی کشورهای اسلامی در سطح دولت، مستلزم ایجاد ائتلاف سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی است که به نظر می‌رسد با محدودیت‌هایی روبه‌روست.

۲. حاکمیت سیستم دولت - ملت: در دوران معاصر که مبنای اصلی شکل‌گیری کشورها ناسیونالیسم است، کشورها در چهارچوب قلمروهای ملی تصمیم‌گیری می‌کنند. بنابراین، کشورهای اسلامی اگرچه در بعد نظری با مفاهیمی همچون امت و مصالح اسلامی آشنا هستند، ولی در عمل، بر مبنای دولت - ملت به دنبال تأمین مصالح و منافع ملی خود هستند. از این‌رو، می‌توان گفت یکی از موانع اصلی هم‌گرایی جهان اسلام، وجود اصل دولت - ملت و تأکید بیش از حد بر مرزهای ملی و تقویت علقه‌های ناسیونالیستی است که تا حد زیادی ریشه در سیاست‌های استعماری و مداخله قدرت‌های بزرگ دارد.^۱ انقلاب اسلامی ایران نه تنها بر امت واحده اسلامی تأکید کرد، بلکه خواهان رها شدن کشورهای اسلامی از حکومت‌های وابسته شد که این امر سبب شد کشورهای وابسته در بسیاری از موارد، رویاروی انقلاب اسلامی ظاهر شوند.

۳. وابستگی به قدرت‌های بزرگ: انقلاب اسلامی ایران در مسیر هم‌گرایی دولت‌های

۱. محمدباقر حشمت‌زاده، چهارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.

اسلامی، بر وابسته نبودن به قدرت‌های بیگانه و حفظ استقلال کشورهای اسلامی تأکید می‌ورزد. از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، کشورهای مستقل، خود می‌توانند مصالح کشور خود و جهان اسلام را تشخیص دهند و بر اساس آن مصالح، تصمیم‌گیری کنند، ولی دولت‌های وابسته به سبب وابستگی، تابع تصمیم‌گیری‌های قدرت‌ها هستند و بیشتر تصمیم آنان مبتنی بر سودرسانی به قدرت‌هاست. از این رو، چنانچه دولت‌ها مستقل باشند، به یک نقطه مشترک دست می‌یابند که آن، ایستادگی در برابر استعمارگران است.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی، مسئله مقابله با قدرت‌های خارجی، در کشورهای اسلامی اهمیت یافت؛ زیرا بیشتر دولت‌های اسلامی پایگاه مردمی نداشتند و به صورت جدی، به جهان غرب به ویژه آمریکا وابسته بودند. از این رو، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نظام حکومتی سلطنتی جای خود را به نظام جمهوری اسلامی و از خط مشی دوستی با آمریکا، به سوی دشمنی با آن کشور تغییر داد. این امر در حالی صورت می‌پذیرفت که به طور کلی کشورهای منطقه به جز عراق دارای نظام سلطنتی و تحت حمایت و نفوذ آمریکا و انگلیس بودند. این انقلاب با ویژگی‌های منحصر به فرد خود همانند نفرت از هر دو ابرقدرت به ظاهر متضاد، شدت بی‌سابقه حضور مردم در صحنه‌های گوناگون و الهام‌پذیری از مذهب، از توانایی جذب علاقه‌مندان بسیاری در میان مردم کشورهای منطقه برخوردار بود که این مسئله سبب نگرانی و برخورد منفی دولت‌های اسلامی منطقه با انقلاب اسلامی شد. زیرا از یک سو دارای ساختار حکومت غیر مردمی بودند و از سوی دیگر، به قدرت‌های خارجی وابسته بودند.

۴. وجود حکومت‌های اقتدارگرا و غیر مردمی: از جمله موانع اتحاد جهان اسلام، وجود دولت‌های اقتدارگرا در کشورهای اسلامی است. این کشورها با سرکوب جنبش‌ها و اخراج عوامل انقلابی، اجازه نفوذ عمیق ارزش‌های اسلامی نشئت گرفته از ایران را به قلمرو ملی خود ندادند و به مقابله با آن مبادرت ورزیدند.^۲

انقلاب اسلامی با ویژگی‌های خاص خود به ویژه اسلامی بودن و مردمی بودن آن، به عنوان الگویی برای مردم کشورهای اسلامی مطرح شد، به گونه‌ای که ترس از برپا شدن انقلابی مشابه انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه، رهبران و سردمداران

۱. سید محمد جواد هاشمی، امام خمینی و هم‌گرایی جهان اسلام، تهران، نیایش، ص ۸۵.
۲. گراهام فولر، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶.





این کشورها را سخت به اندیشه و تشویش خاطر انداخت؛^۱ برای مثال، قیام گروه‌های مبارز مذهبی در کشورهای هم‌جوار ایران که خطری جدی برای ثبات این کشورها بود، واکنش خصومت‌آمیز کشورهای منطقه به ویژه عراق و عربستان را در پی داشت. با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت هم‌گرایی کشورهای اسلامی در سطح سیاسی برای تحقق بخشیدن به امت اسلامی، سیاست خارجی مشترک، اتحادها و پیمان‌های سیاسی منطقه‌ای به دلیل وابسته بودن بیشتر حاکمان اسلامی، نداشتن پایگاه مردمی و احساس ترس آنها از آموزه‌های اسلام و انقلاب اسلامی، با موانع و محدودیت‌های بسیاری روبه‌روست که این امر سبب شده است تا هم‌گرایی کشورهای اسلامی در پرتو آموزه‌های انقلاب اسلامی در سطح سیاست حاد با موانعی روبه‌رو شود.

۵. یکسان نبودن ارزش‌های فکری و سیاسی نخبگان: یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط رسیدن به هم‌گرایی در میان کشورهای اسلامی، مربوط به کارگزاران اصلی هم‌گرایی، یعنی نخبگان فکری و سیاسی است که با وجود وجوه اشتراکات اولیه، همچنان تحت تأثیر تعارضات و اختلافات فکری و سیاسی فزاینده‌ای است که در عمل هم‌گرایی کشورهای اسلامی را با محدودیت و مانع روبه‌رو کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این تعارضات وارد مرحله نوینی گشت و بار دیگر در دو محور جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم ساماندهی شد و در هم‌گرایی کشورهای اسلامی در پرتو آموزه‌های اسلامی انقلاب اسلامی، تعارضات و درگیری‌هایی را میان کشورهای اسلامی و ایران اسلامی به وجود آورد.

بیشتر کشورهای عربی، جمهوری اسلامی ایران را به تلاش برای شیعه کردن مناطق سنی جهان اسلام و گسترش شیعی‌گری در منطقه متهم می‌کنند. مهم‌ترین این مواضع، سخنان ملک‌عبدالله، پادشاه اردن، در دسامبر ۲۰۰۴ است. وی طی سخنانی، شکل‌گیری «هلال شیعی» را خطری می‌داند که خاورمیانه را تهدید می‌کند. بر این اساس، این هلال از ایران آغاز شده است، تا علوی‌های سوریه امتداد می‌یابد و به حزب‌الله لبنان می‌پیوندد. نکته قابل تأمل و مهم این است که اندکی پس از این موضع‌گیری، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر نیز اعلام کرد شیعیان عراق و لبنان، پیوندشان با ایران، قوی‌تر از وابستگی‌شان به کشورهای خودشان است. اختلافات فرهنگی و سیاسی میان کشورهای مسلمان عرب (مانند مصر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج

۱. مسعود اسلامی، ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران، همراه، ۱۳۶۹، ص ۲۵۰.

فارس، سوریه، فلسطین، لبنان) و کشورهای مسلمان غیر عرب (ایران، ترکیه، پاکستان، افغانستان، کشورهای مسلمان آسیای میانه و قفقاز و جنوب شرقی آسیا) نیز از جمله مهم‌ترین مسائل برهم‌زننده هم‌گرایی اسلامی است.

انقلاب اسلامی ایران، با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف، حمایت از نهضت‌های دینی و جنبش‌های اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی و اتحاد امت اسلامی و نیز با توجه به تسری و گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی به کشورهای تحت ستم و ملت‌های مسلمان و تأسیس نهادهایی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به منظور تربیت نیروهای متخصص اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان فکری و سیاسی جهان اسلام در مسئله هم‌گرایی ملت‌های مسلمان، توانسته است فرصت‌های بسیاری به وجود آورد، ولی در سطح سیاسی و دولت‌ها، با موانع و محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است؛ زیرا زمانی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، با توجه به ناعادلانه دانستن ساختار نظام بین‌الملل، خواستار تحول در آن و شکل‌گیری نظام عادلانه جهانی بر مبنای منافع همه کشورهای جهان و شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای بدون حضور ابرقدرت‌های جهانی شد.

فرصت و چالش‌های جنبش‌های اسلامی معاصر قبل از انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین نقطه ضعف و تهدید جنبش‌های اسلامی در این سال‌ها، پراکندگی و عدم انسجام آنها در تاکتیک‌ها (روش‌های مبارزاتی) و ناتوانی در گذار از مرحله موجود و در جا زدن در مرحله پیش از تشکیل «جامعه و حکومت اسلامی» بود. فقدان منبع الهام‌بخش و در واقع رهبری واحد در هدایت جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی در تقابل با نظم و نظام‌های سیاسی موجود (فقدان نظریه و ولایت فقیه) از جمله آنها بود. تجربه ناموفق و در واقع شکست راه‌حل‌های نوسازی و توسعه مدرن اعم از نوع شرقی (سوسیالیستی - مارکسیستی) یا نوع غربی (لیبرالیستی - سرمایه‌داری) آن است که نه تنها نتوانسته بود در خلال سال‌های پس از استقلال جوامع جهان سوم و جهان اسلام (سال‌های پس از جنگ دوم جهانی) وضع را بهتر کند بلکه به دلیل در پیش گرفتن آن راه‌حل‌ها، ساخت و بافت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع مسلمان عملاً دچار از هم‌گسیختگی و بحران مضاعف شده بود؛ با توجه به بن‌بست راه‌حل‌ها و ایدئولوژی‌های معطوف به ناسیونالیسم (پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم، پان‌ایرانیسم و...) بر اساس فرصت و





چالش‌های مطرح‌شده می‌توان مدعی شد: لزوم در پیش گرفتن طرح یا ایده «راه سوم» (نه شرقی/نه غربی) مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای اداره سیاست داخلی و خارجی بود؛ در چنین زمینه و زمانه‌ای است که جنبش اسلامی ایران به عنوان جزئی از کلیت نهضت‌های اسلامی جهان اسلام، کوشید تا نهضت‌های مزبور به سرانجام مؤثری برسند و با ایجاد انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام را از بن‌بست و رکود خارج کند.

فرصت‌های جنبش‌های اسلامی معاصر پس از انقلاب اسلامی ایران، وقوع انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، قرنی که از آن به عصر پایان ایدئولوژی‌ها و پایان تاریخ تعبیر می‌شد، به مانند موجی خروشان، بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرو آمد و برنامه جدید را ایجاد کرد. این انقلاب که بر خلاف دیگر انقلاب‌های مدرن، از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود، نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام تعامل جهانی را از اساس متزلزل ساخت و موجی از شور و امید در میان ملت‌های محروم جهان و جوامع اسلامی به وجود آورد؛ جوامعی که به طور عموم تحت سلطه حکومت‌های خودکامه بودند. در این میان، آنچه شگفت به نظر می‌رسید، نقش اسلام در تسریع روند پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور آن به عنوان یک ایدئولوژی غالب در ایران انقلابی بود. انقلاب ایران سبب تجدید دوباره حیات دین در جامعه ایرانی شد،^۱ به گونه‌ای که پس از انقلاب، ایران به پایگاه یک حرکت اسلامی نوین که مرکزیت بخش اعظم دنیای اسلام را طی سال‌های گذشته در خود داشته است، تبدیل شد. این انقلاب به لحاظ ظرفیت‌های بالای جاذبه ایدئولوژیک توانست نه تنها در میان ملت‌های اسلامی، بلکه در میان ملت‌های محروم و تحت ستم از پذیرش و استقبال فزاینده‌ای برخوردار شود و تا حد زیادی انسان‌های مسلمان و آزادی‌خواه را مجذوب خود سازد؛ به ویژه زمانی که توصیف و ترسیم انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی (ره) در آمیختن و توده‌های میلیونی مردم را به حمایت از آموزه‌های امام (ره) رهنمون ساخت.

۱. حمایت از ملت‌های محروم و جنبش‌های اسلامی: انقلاب اسلامی بنا بر ماهیت و هدف‌های خود که از مکتب اسلام سرچشمه می‌گیرد، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها و برنامه‌ها و نظریه‌های خاص برای حکومت و دولت‌مداری بوده است، بلکه در سطح جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، افکار و نظریات خاصی دارد و

۱. محسن میلانی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، تهران، گام‌نو، ۱۳۸۱، ص ۱۵.

انقلاب اسلامی ایران
و جنبش‌های اسلامی
معاصر، خواهان برچیده
شدن ظلم و فساد و
اجرای قوانین اسلام و
استقرار حکومت اسلامی
در جامعه مسلمانان و در
نهایت حکومت جهانی
اسلام بوده است

مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات خاص و ویژه‌ای را ابداع کرده است که برخی از آنها، خود دنیای خاصی از اندیشه‌های ناب را در بردارد. در میان این واژه‌ها و اصطلاحات نوین، می‌توان به عنوان‌هایی همچون مستضعفین، ملت‌های محروم، مستکبرین، جهان استکباری یا حاکمیت مستضعفین اشاره کرد.^۱

از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه ارزش‌های مکتب اسلام شکل گرفته است، با محکوم کردن استکبار و سلطه‌جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصی نقاط عالم

اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبارستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، کاملاً به چشم می‌خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار، محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند. امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد:

ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.^۲

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر لزوم توجه به مسائل جهانی به ویژه حمایت از مردم و ملت‌های تحت ستم در سطح جهان تأکید شده است؛ زیرا همه این قوانین بر پایه موازین و ارزش‌های اسلام و قرآن تهیه شده است و موازین اسلام در چهار چوب مرزهای یک کشور نمی‌گنجد، بلکه متعلق به همه جهان است. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب

۱. منوچهر محمدی، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.

۲. *صحیفه امام*، ج ۱۲، ص ۱۳۸.





را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان فراهم آید.^۱

در اصل سوم بند ۱۶ قانون اساسی نیز آمده است که دولت جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود موظف است سیاست خارجی کشور را به گونه‌ای تنظیم کند که بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان باشد. همچنین اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ بر حمایت از حقوق همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان تأکید کرده است.

از سوی دیگر، امام خمینی (ره) هم پیش از پیروزی انقلاب و هم پس از آن، از نهضت‌های آزادی‌بخش و اصلاح‌طلب بدون حساسیت نسبت به گرایش‌های دینی و مذهبی آنان، به حمایت برمی‌خاست که نمونه بارز آن، در نهضت مسلمانان فلسطین و قیام آنان بر ضد اسراییل آشکار است.^۲ انقلاب اسلامی ایران که توانست نظام استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون و حکومت اسلامی را به جای آن مستقر سازد، برای ملت‌های تحت ستم به عنوان یک الگو به شمار می‌آید که می‌تواند زمینه‌ساز الگوی رفتاری و هنجاری جدیدی باشد.

۲. وحدت‌گرایی انقلاب اسلامی ایران: تفرقه و جدایی سیاسی مسلمانان خطرناک است، به گونه‌ای که زیان‌های فراوانی برای جهان اسلام و امت اسلامی داشته و دارد. دشمنان اسلام و مخالفان عزت و قدرت مسلمانان همواره در صدد ایجاد اختلاف و درگیری میان مسلمانان و پیروان مذاهب بوده‌اند و یکی از نقشه‌های استکبار جهانی برای مهار قدرت روزافزون جهانی اسلام، تلاش در راه دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی است.

انقلاب اسلامی ایران همواره منادی وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تشکیل هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت، رهنمودهای سازنده و عمیق رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نیز تأکید فراوان بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی می‌تواند زمینه هم‌گرایی کشورهای اسلامی را فراهم آورد. در اصل یازدهم

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

۲. سید محمد جواد هاشمی، همان، ص ۸۳.

انقلاب اسلامی به ملت‌های مسلمان که در بند مدل‌ها و الگوهای غرب و شرق بودند، این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد؛ زیرا دین اسلام برای همه حوزه‌های حکومت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، طرح و برنامه دارد

قانون اساسی آمده است: به حکم آیه کریمه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»، همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

بر این اساس، هدف آرمانی انقلاب اسلامی، ایجاد دولت بزرگ اسلامی است که بتواند همه سرزمین‌های اسلامی را در خود جای دهد و یک

قدرت مستقل ایجاد کند. بنابراین، اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلامی بتوانند بر موانع موجود بر سر راه وحدت اسلامی و تشکیل امت بزرگ اسلامی فایق آیند و توطئه‌های استعمار را بشناسند و آنها را خنثی کنند، می‌توانند یک قدرت بزرگ در جهان به نام جهان اسلام و امت اسلام ایجاد کنند.

۳. انقلاب اسلامی و احیای تفکر اسلامی: پیش از ظهور انقلاب اسلامی و موجودیت یافتن آن در جغرافیای سیاسی جهان، سایه انداختن افکار و عقاید کفرآمیز و اندیشه‌های مادی بر اذهان ملت‌های مسلمان، سبب شده بود تا دین به حاشیه رانده شود و جهان به سوی ترویج سکولاریسم و ایجاد یک جهان غیر دینی حرکت کند، ولی با وقوع انقلاب اسلامی ایران، تغییرات و تحولات نوینی به وجود آمد؛ انقلاب ایران در صدد بود تا با به اجرا درآوردن احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی در همه ابعاد نظام حکومتی، دین را نهادینه سازد که با ظهور انقلاب اسلامی و تلاش آن برای رساندن پیام خود به گوش همه ملت‌ها، این زمینه و آمادگی در برخی ملت‌ها به ویژه ملت‌های مسلمان فراهم شد تا آنان نیز بتوانند از رخوتی که در آن بودند، رها شوند و با بازگشت به ارزش‌ها و تعالیم اصیل اسلامی، از بیگانگی و دوگانگی ارزشی که به آن گرفتار بودند، نجات یابند.

در واقع، انقلاب اسلامی به ملت‌های مسلمان که در بند مدل‌ها و الگوهای غرب و شرق بودند، این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد؛ زیرا دین اسلام برای همه





امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان، ایجاد عدالت اجتماعی، نفی اشرافی‌گری و تبعیض‌ها و نژادگرایی می‌دانند

حوزه‌های حکومت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، طرح و برنامه دارد.^۱ اگر چه قرن بیستم با عقب‌نشینی اسلام در پی ضعف و ناتوانی امپراتوری عثمانی آغاز شده، ولی پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های پایانی این قرن، نویدبخش آغاز دوره جدید ظهور اسلام است.^۲ از این رو، در دوران معاصر، انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغازین خیزش تفکر اسلامی به شمار می‌رود.

۴. انقلاب اسلامی و احیای هویت اسلامی: انقلاب اسلامی ایران واکنشی از سوی طرفداران احیای تفکر دینی برای حل مشکلات جوامع اسلامی و چاره‌جویی آنها با استفاده از اصول و مقررات ارزشمند اسلام بود. این واکنش در مقابل استبداد و استکبار که منافع خود را در نبود اسلام می‌دیدند، به وجود آمد. مبارزان اسلامی برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های اسلام، با تأکید بر هویت اسلامی، به اتحاد و نزدیکی فرقه‌های گوناگون مذهب اسلام می‌اندیشیدند و به همین خاطر بود که نظر مثبت مذاهب اسلامی نسبت به انقلاب اسلامی جلب شد.

انقلاب اسلامی تنها منحصر به مسلمانان ایرانی نیست، بلکه آرمان‌های آنها، دل‌خواه و مطلوب میلیون‌ها مسلمان است که در کشورهای دیگر خواه اسلامی و خواه غیر اسلامی زندگی می‌کنند. همچنین باید گفت مبارزات انقلاب منحصر به داخل کشورها نیست، بلکه اعتقاد بر این است که روند مبارزات باید در سطح بین‌المللی انجام پذیرد؛ زیرا تحقق برخی آرمان‌های اسلامی پس از تأسیس یک حکومت اسلامی، در گرو هماهنگی و نزدیکی کشورهای اسلامی است. انقلاب اسلامی، با بیدار ساختن هویت اسلامی مسلمانان، آنها را به سوی مبارزات اسلامی کشاند.^۳

انقلاب اسلامی ایران حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشستن، تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی برای برخورد با جنبه‌های مختلف حیات بشری، در خلاف جهت منافع و هدف‌های شرق و غرب و نیز حرکتی نوگرایانه فرهنگی به منظور احیای هویت

۱. محسن مجرد، تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳.

۲. جمیله کدیور، آمریکا و رویارویی با انقلاب اسلامی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۹۸.

۳. سید داوود آقایی، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵.

اسلامی، نه تنها در ایران، بلکه مطرح ساختن آن در جهان به عنوان مکتب حیات بخش و الگوی تمام عیار سعادت و رفاه دنیوی و اخروی بود.

انقلاب اسلامی، بازگشت به اسلام ناب محمدی و طرد اسلام امریکایی زورمداران را در دستور کار خود قرار داد و خواهان زدودن انواع خرافه‌ها و تفسیرهای نادرست از اسلام شد. همچنین، تأکید بر محوریت خدا و اتکا به یاری پروردگار متعال، شکوفا ساختن استعدادهای انسانی و بهره‌گیری از توانایی‌ها و امکانات فکری و مادی جامعه در انقلاب، از موارد مؤکد در این انقلاب بود.^۱ گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در تقابل با مظاهر تجدد، از جمله ناسیونالیسم بود. واژه ملت و ملت‌گرایی به مفهوم اروپایی آن، در فرهنگ ایرانی وجود نداشت، ولی از آنجا که خود را مقدم بر اسلام می‌دانست، رویاروی فرهنگ اسلامی «امت» قرار گرفت. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های قرن در افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها، نقش بسزایی داشته است. این مسئله نه تنها بر اساس پیامدهایی است که در منطقه مجاور خاورمیانه و جهان اسلام داشته، بلکه بر اساس دستاوردهایی است که برای سراسر جهان به ارمغان آورده است.

۵. انقلاب اسلامی و طرح سیاست دینی: از آنجا که انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر ایدئولوژی اسلام به ویژه مذهب شیعه است و مشروعیت خود را از دین الهی کسب می‌کند، با نظم بین‌المللی مبتنی بر سیاست قدرت در تضاد است. هدف‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر فرهنگ دینی و ارزش‌های سنتی و بومی است، برای جهان غرب کاملاً غیر منتظره بود و کشورهایی که با ایدئولوژی‌هایی مانند لیبرالیسم و سوسیالیسم در نظام بین‌الملل خو گرفته بودند، به هیچ‌وجه رویکرد دینی یا احیای سنت سیاسی اسلام برایشان قابل هضم نبود. بدین ترتیب، «رخداد انقلاب اسلامی با ماهیت دینی باعث غافل‌گیری صاحب‌نظران، دولت‌ها و نخبگان سیاسی شد».^۲

با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان سیاست دینی، خواهان بخشی از قدرت سیاسی شد. این گفتمان در حالی در دنیای لائیسزم و سکولاریسم مطرح می‌شد که دین نه تنها از سیاست جدا و به گفته مارکس، افیون ملت‌ها تلقی می‌شد، بلکه آن را متعلق به تاریخ می‌دانستند و معتقد بودند که دین چیزی برای ارایه به دنیای مدرن ندارد و دوره

۱. حسین پوراحمدی، *انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی شدن*، تهران، عروج، ۱۳۸۶، ص ۹۶.

۲. مصطفی ملکوتیان، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸.





آن نیز گذشته است. حاکم شدن این گفتمان در ایران به عنوان کشوری که حوزه نفوذ اندیشه غربی بود، در عمل، پیوند دین و سیاست بر مبنای اسلام اصیل را نشان داد که این موقعیت جدید، چالش با دوران سیطره گفتمان غرب محور را به همراه داشت. این بار انقلاب اسلامی ایران، اسلام انقلابی را عرضه کرد؛ یعنی چیزی که مسلمانان را قادر می‌ساخت تا در پرتو آن، آزادی خویش را به دست آورند و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری و نژادپرستی ایستادگی کنند.^۱

۶. صدور انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک با جهان‌بینی خاص خود که از مکتب اسلام سرچشمه گرفته بود، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاص برای حکومت و دولت‌مداری است، بلکه در بعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، دارای افکار و نظریات خاص و ارایه‌دهنده نظام جهانی ویژه خود است.^۲ آنچه در بحث صدور انقلاب اسلامی ایران دارای اهمیت است، نه تنها مربوط به جنبه انقلابی حرکت ملت ایران، بلکه معطوف به آموزه‌های انقلابی و اسلامی آن است که به نوبه خود، آن را از انقلاب‌های دیگر متمایز می‌سازد.

امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان، ایجاد عدالت اجتماعی، نفی اشرافی‌گری و تبعیض‌ها و نژادگرایی می‌دانند.^۳ ایشان ضمن رد شبهاتی که از سوی دشمنان مطرح می‌شد، بیان می‌دارد که منظور از صدور انقلاب، به هیچ عنوان هجوم نظامی و لشکرکشی به دیگر کشورهای مسلمان نیست: «ما می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم... نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد.»^۴ بنابراین، منظور از صدور انقلاب اسلامی، این است که مسلمان‌های کشورهای دیگر، از جمهوری اسلامی ایران الهام بگیرند، به گونه‌ای که با حفظ چهار چوب مذهب و کشور خودشان، احکام اسلامی را در کشورهای خود حاکم سازند و بکوشند حکومت‌هایی در کشور خود سرکار آورند که بر اساس اسلام حکمرانی کنند و قانون اساسی کشور را بر اساس قانون اسلام تدوین نمایند. بر این اساس، هدف از صدور انقلاب، صدور پیام انقلاب اسلامی است که به سرعت در سراسر کشورهای تحت ستم و محروم، بازتاب و از نقطه‌ای

۱. حسن حنفی، «اسلام سیاسی»، ترجمه محمدحسن معصومی، حکومت اسلامی، س ۲، ش ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۲. منوچهر محمدی، همان، ص ۵۹.

۳. سید محمدجواد هاشمی، همان، ص ۸۳.

۴. صحیفه/امام، ج ۱۳، ص ۹۰.

به نقطه دیگر گسترش یافت. نمود بارز صدور انقلاب اسلامی را می‌توان در رستاخیز مجدد جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام دانست که به نوبه خود سبب ایجاد تغییرات و تحولات فرهنگی و سیاسی در کشورهای اسلامی شد. در نتیجه گفتمان انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی وضعیت خاورمیانه را دچار تحولات اساسی کرد. خیزش مردمی به سلسله تغییراتی در شرایط خاورمیانه انجامید که نه تنها توسط غرب و ایالات متحده طرح‌ریزی نشده بود، بلکه این کشور را با چالشی جدی مواجه کرد. با آغاز این تحولات، گذار به مردم‌سالاری «الگوی انقلاب اسلامی» در منطقه تقویت شد و بسیاری از رهبران عرب و متحدان امریکا جایگاه سیاسی خود را از دست دادند یا تضعیف شدند.^۱

مقایسه نهضت‌های انقلابی و گروه‌های افراطی

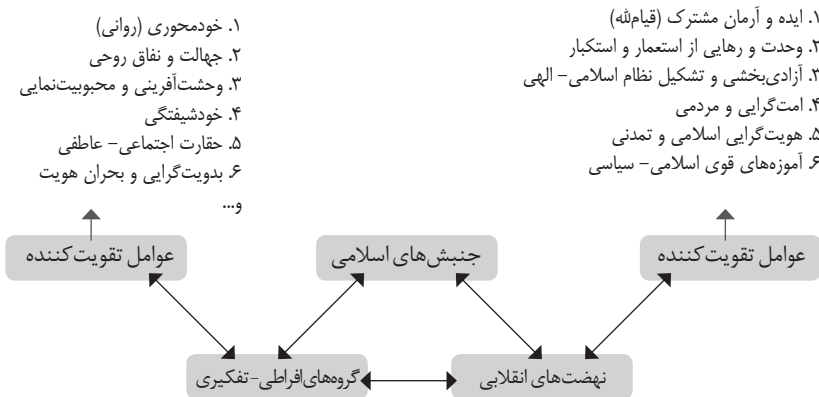
مطالعه و مقایسه نهضت‌های انقلابی با گروه‌های افراطی مثل خوارج، وهابیت، القاعده و داعش ریشه در جریان‌های مذهبی گذشته در تاریخ اسلام دارد. روحیه‌ها، روش‌ها و عقاید آن چیز جدید و بی‌سابقه نیست. تنها تفاوت جریان و گروه‌های تکفیری در وضعیت و موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی است. آنها برخلاف جریان‌های قبلی که از درون اختلافات درون مذهبی سر در آورده بودند، ساخته دست سیاست‌های برون‌مذهبی در کنترل جهان اسلام هستند. داعیه حکومت‌داری و احیا خلافت، ایزاری بیش در دست این گروه‌ها نیست. در حال حاضر نیز در سطح جهان اسلام و گستره قلمروی اسلامی این نوع روحیه‌ها، بینش‌ها و خط‌مشی‌ها که آکنده از جزمیت و جمود، قشری‌نگری، سطحی‌نگری، جزیی و فرعی‌نگری است، اگر چه به ظاهر به شدت رایج شده است ولی جایگاهی در درون جوامع اسلامی ندارد.

مطالعه تجربه وهابیان و عبرت گرفتن از آن از نظر فکری و جامعه‌شناختی بسیار با اهمیت و ضروری است. این تجربه، تجربه‌ای بسیار زیان‌بار و تشدیدکننده عقب‌ماندگی داخلی مسلمانان و حرکتی انحرافی و ارتجاعی بود، اما داعیه‌ها و شعارهای اصلاحی و دینی و تأثیرات آن و رونق این نوع طرز تفکرها در میان مسلمین ضرورت و اهمیت مطالعه و مقایسه دارد. مفاهیم نظری و مصادیق مختلف از بستر سازهای تقویت‌کننده نهضت‌های اسلامی و گروه‌های تکفیری مطالعه شده و در نمودار زیر اشاره شده است.

۱. بهزاد قاسمی، «نسبت دموکراسی و مردم‌سالاری اسلامی در خیزش‌های اسلامی»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۴، ش ۵۵، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۶۸.



نمودار زیر نمایانگر عوامل اصلی را در تقویت فعالیت این گروه به صورت ذیل نشان می‌دهد: بازشناسی نهضت‌های انقلابی و گروه‌های افراطی.



۱. خودمحوری (روانی)
۲. جهالت و نفاق روحی
۳. وحشت‌آفرینی و محبوبیت‌نمایی
۴. خودشیفتگی
۵. حقارت اجتماعی - عاطفی
۶. بدویت‌گرایی و بحران هویت
- و...

۱. ایده و آرمان مشترک (قیام‌الله)
۲. وحدت و رهایی از استعمار و استکبار
۳. آزادی‌بخشی و تشکیل نظام اسلامی - الهی
۴. امت‌گرایی و مردمی
۵. هویت‌گرایی اسلامی و تمدنی
۶. آموزه‌های قوی اسلامی - سیاسی

تبیین نهضت‌های انقلابی و گروه‌های افراطی و تکفیری (داعش)

نخستین ویژگی نهضت‌های انقلابی و گروه‌های تکفیری را باید در «ساختار رهبری» (چه در گروه تکفیری و در اینجا داعش) جست‌وجو کرد که ماهیت آن فردی اما دارای نتایج جمعی و سازمانی است. رهبران افراط‌گرا تجسم «هموپولیتیکس»^۱ یا همان جوینده قدرتی هستند که «لاسلول» معرفی می‌کند. یعنی فردی یک نیاز شخصی را با هدفی عمومی تعویض و این عمل را به صلاح عموم تعبیر می‌کند.^۲ ابوبکر بغدادی رهبر دولت اسلامی داعیه خلافت در سوریه و عراق دارد، به علت دریافت کمک‌های متعدد از سرویس امنیتی دول غربی و منطقه‌ای و سیطره بر منابع مالی نفت و غارت مناطق تصرفی می‌خواهند این منفعت فردی را به سرنوشت مردم و جامعه گره بزنند و برای اعاده حاکمیت سیاسی آنها تلاش کنند. خودشیفتگی مدنظر «مورف»، واکنش به چنین

۱. لازم به توضیح است که اصطلاح «hemo politics» در متن لاتین «لاسلول Lasswell» برای گروه افراط‌گرایی به کار رفته است. این واژه همگنی و هم‌خونی معنی می‌شود. بر این اساس مستفاد می‌شود آنچه گروه تکفیری داعش در اندیشه خود (به صورت خیالی و توهمی) تصور می‌کند را به سطح جامعه جهان اسلام نیز تعمیم می‌دهد. هدف داعش از این اقدام همراه کردن مردم و جامعه با خود بوده تا از این طریق قدرت سیاسی و قلمرو جغرافیایی خود را گسترش دهد.

(هموپولیتیکس در معنی و مفهوم در تقابل با همذات‌پنداری قرار دارد؛ همذات‌پندار خود را عین دیگری می‌پندارد. در حالی که در اینجا داعش علاقه‌مند است دیگران مثل این گروه شوند.)

2. Lasswell, H. D, Psychopathology and Politics, New York: Viking, 196.

منظور از صدور انقلاب اسلامی، این است که مسلمان‌های کشورهای دیگر، از جمهوری اسلامی ایران الهام بگیرند، به گونه‌ای که با حفظ چهارچوب مذهب و کشور خودشان، احکام اسلامی را در کشورهای خود حاکم سازند و بکوشند حکومت‌هایی در کشور خود سر کار آورند که بر اساس اسلام حکمرانی کنند و قانون اساسی کشور را بر اساس قانون اسلام تدوین نمایند

وضعیتی است. مهم‌ترین آسیب‌پذیری این نوع افراد این است که رهبران کاریزما را ایده‌آل و برآورنده نواقص خود می‌یابند و علاوه بر این، گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند که به آنها احساس متعالی مشترک از خود و هویت‌شان اعطا می‌کند. بر این اساس بخشی از انگیزه‌های شکل‌گیری شبکه‌های بین‌المللی جهادگرا با حفظ سلسله‌مراتب سازمانی متصلب و اطاعت‌پذیری اعضای القاعده از رهبران کاریزمایی مانند ایمن

ظواهری و بن‌لادن، متأثر از چنین ضعف‌هایی است. داعش در نظریه خلافت، قریشی بودن را شرط رهبری می‌داند و از این رو البغدادی نسب خود را به پیغمبر اکرم (ص) می‌رساند.

در بازشناسی ماهیت نهضت انقلابی که در متن مقاله آمده است، در نهضت‌های انقلابی و به خصوص انقلاب اسلامی رهبری امام خمینی (ره) بر مبنای رهبری الهی بود؛ زیرا نهضت امام قیام «لله» بود. بر این اساس، رهبری نهضت انقلابی - اسلامی تنها بر مبنای رهبری کاریزماتیک نمی‌تواند تحلیل شود. برای نمونه رهبری انقلاب اسلامی توسط امام (ره) فراتر از این گونه چهارچوب‌های نظری قرار دارد. در موضوع مفهوم‌شناسی رهبری به خصوص در رهبری انقلاب اسلامی به دو گونه رویکرد نظری متفاوت در رهبری اشاره شده، یکی رهبری قدرت فردی و توانمندی شخصی و فرهیخته و دیگری رهبری کرامت‌محور است.

امروزه حرکت انحرافی سلفی تکفیری و وهابیت و داعش بزرگترین خطر و مشکل جهان اسلام است. چون برخی کشورهای عربی، امریکا و اسرائیل از جریان‌های تکفیری حمایت و به آنها کمک می‌کنند. علاوه بر اینکه گروه‌های تکفیری در بسیاری از کشورهای اسلامی به عنوان یک چالش جدی و اساسی به شمار می‌روند، در آینده به مسئله‌ای برای به چالش کشیدن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌روند.^۱ زیرا این گروه‌های افراطی به خصوص جریان افراطی داعش با مصادره گفتمان انقلاب

۱. بهزاد قاسمی، «مسئله‌شناسی چالش‌های اساسی جهان اسلام از نظرگاه امام خمینی (ره)»، پانزده خرداد، س ۱۱، ش ۳۹، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲۵.





اسلامی و با رایه الگوی خلافت اسلامی در صدد مقابله با نظام جمهوری اسلامی است؛ به دلیل اینکه تجربه موفق نظام سیاسی از زمان تأسیس تاکنون ثابت کرده که این گفتمان موفق بوده و تا از این طریق^۱ دین زدگی و خستگی از دین را نشان دهد و با موفقیت در این عرصه نسخه جدید را رایه کند.

نتیجه گیری

هر چند رویکرد احیای اسلامی در میان علما و اندیشمندان اسلامی اهل سنت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برمی گردد، در عین حال گسترش و عمومیت یافتن این احیای مدیون و مرهون پیروزی انقلاب اسلامی است. امروزه دیگر مسئله جدایی دین از سیاست برای همه مسلمانان امری مردود و غیر قابل قبول شناخته شده و بازگشت به اسلام به عنوان یک اصل پذیرفته شده و نه تنها در زندگی فردی و اجتماعی آنها بلکه در زندگی سیاسی همه مسلمین تقویت و تثبیت شد. در این رابطه هم می توان گفت با مقاومت و تقابل موفقیت آمیزی که انقلاب اسلامی در مقابل قدرت های بزرگ به ویژه امریکا صورت داد بر همه جوامع اسلامی که طعم حقارت و سلطه استعمار و استکبار را چشیده بودند اثرات خود را بر جای گذاشت و امروز روحیه ضد استکباری به ویژه ضد امریکایی در جهان اسلام عمومیت و گستردگی کافی پیدا کرده است و این امر نیز مرهون اثرات و بازتاب انقلاب اسلامی است.

مسلمانان در گذشته هم به دلیل دوران سلطه غرب بر جوامع اسلامی و هم به دلیل سرعت ترقی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک غرب نوعی احساس حقارت و خودکم بینی می کرده و سعی عمومی بر این بوده است که گذشته اسلامی خود را نادیده گرفته و کور کورانه از روش ها و شیوه های زندگی غربی الگو برداری کنند. انقلاب اسلامی موجب گردید که این احساس حقارت و خودکم بینی از بین رفته و مسلمانان به طور اعم به گذشته خود و به هویت اسلامی خود افتخار کنند و در صدد بازگشت به ارزش های اسلامی باشند و به همین دلیل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مسلمانان و به ویژه جوانان به حضور در مساجد و مجامع مذهبی رغبت فزاینده ای پیدا کرده و حتی پوشش و ظاهر

۱. روش و شیوه داعش در مبانی نظری و اندیشه، مبتنی بر آموزه دین اسلام بوده و اسلام اصیل را وانمود می کند و بسیاری از مؤلفه گفتمانی انقلاب اسلامی را مصادره کرده و از آنها استفاده می کند ولی در عرصه عمل با جنگ روانی، خشونت و کشتار و تخریب آثار و مظاهر تمدنی اسلام، اسلام خشن و اسلام هراسی را به نمایش می گذارد؛ و علاوه بر اینکه گفتمان انقلاب را زیر سؤال برده، با ناکارآمد نشان دادن گفتمان اسلامی (در واقع اسلام داعشی) برای پیداری اسلامی نسخه جدید را رایه می کند.

خود را نیز به شکل و شمایل اسلامی در آورند.

همه عوامل موجب گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی در جوامع اهل سنت شد. این تأثیر گذاری به دو شکل بوده است؛ نخست اینکه، کلیه نهضت‌های آزادی‌بخش که بر پایه ایدئولوژی‌های غیر اسلامی مانند سوسیالیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم شکل گرفته بود، موقعیت خود را در میان مسلمانان و به ویژه جوانان از دست داده و دیگر آن اعتبار و اقتدار گذشته را مانند آنچه که پان عربیسم و ناصر یسم داشت ندارد و دوم، حتی نهضت‌های آزادی‌بخش اصلاح‌طلب مانند اخوان المسلمین که از گذشته دور دارای محبوبیت و معروفیت بودند به علت عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای جوامع خود به خصوص به خواست‌های نسل جوان دچار تشتت و انشعاب گردیده و گروه‌های جهادی و انقلابی حتی به صورت مسلحانه و زیرزمینی شکل گرفتند که از آن میان می‌توان از «جهاد اسلامی» و «التکفیر و الهجره» (جماعه المسلمین) در مصر، جبهه نجات اسلامی در الجزایر و... نام برد.

نکات زیر می‌تواند به عنوان راهکارهای پیشنهادی جهت تقویت نهضت‌های اسلامی - انقلابی و تضعیف گروه‌های تکفیری مدنظر قرار گیرد:

۱. بررسی و شناخت دقیق محیطی از اندیشه و عملکرد هر یک از نهضت‌های اسلامی - انقلابی و گروه‌های افراطی به خصوص داعش.

۲. استفاده از ظرفیت و پتانسیل گسترده و تأثیر گذار فرهنگی - اجتماعی نهضت‌های انقلابی در مقابل جریان‌های تکفیری که در تقابل با اندیشه نهضتی و شیعه قرار دارند.

۳. تقویت فکری و نظری نهضت‌های انقلابی و نبرد فکری و اندیشه‌ای با گروه‌های تکفیری.

۴. تأکید و تکرار نهضت‌های انقلابی بر مسئله فلسطین؛ موضوع فلسطین و نحوه مواجهه با آن همواره یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها و مسائل برای دولت‌ها، جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی طی حدود ۷۰ سال گذشته بوده که در دهه‌های اخیر بر جسته‌تر شده است که القاعده و داعش نیز از آن مستثنی نیستند. داعش به صورت رسمی هر گونه تقابل با اسرائیل را نفی کرده و اظهار داشته اعلام جهاد علیه اسرائیل در تضاد با آموزه‌های اسلامی است. آنان این گزاره را از قاعده «العدو البعید - العدو القریب» استنتاج می‌کنند.^۱

۱. محمد زارعی، «سیر تحول و تطور گروه‌های تکفیری مطالعه موردی؛ داعش و القاعده»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۶، ش ۲، پیاپی ۶۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۳۹.





۵. برای مهار و تضعیف داعش و گروه‌های تکفیری بایستی در فضای رسانه‌ای بر اراده و ابتکار عمل نهضت‌های انقلابی و مقاومت برای به شکست کشاندن داعش و افراط‌گرایی تأکید گردد.
۶. همواره بر تفاوت اندیشه داعش و تکفیر با نهضت‌های انقلابی تأکید و اندازه‌توانایی و اندیشه و آرمان این نهضت‌ها در عرصه نظر و عمل مطالعه و ارایه شود.